

## سرمقاله

عزم جدی ملی و بین المللی  
برای مبارزه با ناامنی

محمد رضا هویدا

مبارزه با تروریسم در قالب های مختلف به همکاری جهانی و تعهد بین المللی نیاز دارد. بحران امنیت و جنگ در افغانستان، تنها عوامل داخلی ندارد و به همین دلیل نیز مبارزه با آن به همکاری جهانی نیاز دارد. گروه های تروریستی همانند القاعده و داعش، به منظور پیشبرد اهداف شان به مناطق بیشتری ضرورت دارند. این گروه ها می خواهند به مناطق جدید و بیشتری دست یابند تا بتوانند اهداف خود را تعقیب کنند.

با آنکه به عقیده بسیاری از کارشناسان و آگاهان مسایل سیاسی افغانستان، در مورد مسئله داعش بزرگنمایی شده است و این گروه، آن اندازه که گفته می شود در افغانستان وجود ندارد، اما به همه اینها، مسئله امنیت و نفوذ داعش در افغانستان یک مسئله کاملا قابل توجه و اساسی است.

تمامی گروه های تروریستی در افغانستان در نهایت و در نتیجه کاملا یک جا می شوند. این گروه ها به هدف تضعیف دولت افغانستان و از بین بردن حاکمیت و ثبات در کشور کار می کنند. در این مسئله همه آنها با یکدیگر یکجا می شوند و همه با یکدیگر کار می کنند. ناامنی های و گروگان گیری های اخیر چه کار طالبان بوده باشد و چه کار القاعده و یا داعش، نتیجه یکی است، و آن نیز هدف قرار گرفتن جان و مال مردم افغانستان است.

مبارزه با چنین گروه هایی که به هدف از بین بردن حاکمیت ملی افغانستان کار می کنند، و پایه های بین المللی دارند، نیاز به کار و کمک وسیع دارد.

اولا دولت افغانستان باید تلاش کند تا زمینه های داخلی حضور گروه های تروریستی را در کشور از بین ببرد. در صورتی که زمینه های داخلی حضور گروه های تروریستی در کشور وجود داشته باشد و این گروه ها بتوانند با استفاده از زمینه های موجود، ناامنی را تشدید بپخشند، هر گونه تلاشی به سرانجام نخواهد رسید. بدون شک هر نوع حضور گروه های افراط گرا در کشور بدون زمینه های داخلی و ضعف های درونی نخواهد بود. منطقه به نظر نمی رسد که تمامی عوامل ناامنی ها را در بیرون از مرزهای کشور جستجو نماییم. چشم بستن به ضعف ها و کاستی ها و عوامل ناامنی ها و جنگ ها در داخل کشور، وضعیت را بدتر کرده و زمینه حضور گروه های افراط گرا و تروریست در کشور را بیشتر خواهد کرد.

اما با همه تلاش های داخلی، کمک های بین المللی و جهانی در عرصه های مختلف برای مبارزه با گروه های تروریستی و افراط گرا ضروری است. افغانستان کشوری است که از هر نظر به کمک های کشورهای خارجی و دوست خود متکی است.

از تجهیز و آموزش نیروهای نظامی گرفته تا کمک های استخباراتی، برای افغانستان ضروری است.

افغانستان در حالی که درگیر در یک جنگ سنگین و فرساینده برای سالهای سال، قرار دارد، می بایست از سوی کشورهای دوست خود کمک شود. این جنگ برای هر کشوری سخت و شکننده است.

ریشه تقویت گروه های تروریستی مانند داعش را با تجربه ای که از دیگر کشورهای نظیر عراق و سوریه می توان گرفت، نیز در نابسامانی های بین المللی باید سراغ گرفت. حضور هزاران تن از شهروندان کشورهای غربی در میان این گروه، دلیل واضحی بر این مدعا است که بحران امنیت در کشورهایی نظیر عراق و سوریه به نابسامانی هایی در سطح منطقه و جهان بر می گردد.

برخورد جدی با مسئله ناامنی ها در افغانستان، باید با توجه به اندازه و وسعت ناامنی ها باشد.

سال روان خورشیدی با ناامنی ها در گستره بیشتری آغاز شده است. در چند هفته گذشته، ولایات زیادی در ناامنی و جنگ غرق شده اند و تلفات انسانی نیز سیر صعودی گرفته است. حتی اگر خبرهای مربوط به حضور و نفوذ داعش درست نباشد، چنین وضعیتی بسیاری از گروه های تروریستی را مایل به وارد شدن به افغانستان می کند. بنابراین باید امنیت کشور را جدی گرفت و کشورهای کمک کننده به افغانستان نیز باید این مسئله را جدی تر بگیرند.

از نشانه های خامی، غیر عقلانی بودن، سطحی نگری و مقطعی عمل کردن سیاست در افغانستان یکی اینست که سیاست در این سرزمین و حکومت فاقد پشتوانه فکری می باشد. یعنی اگر برای سیاست دو وجه نظری و عملی قایل گردیم؛ در افغانستان فقط به وجه عملی سیاست؛ و آنهم به وجه عملی بسیار سخیف و حقیر آن توجه نشان داده می شود. شاید به همین علت توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور عقیم مانده است. صفحه به صفحه تاریخ این دیار روایت های تلخ و جانسوزی از کشتار های وحشیانه، جنگ های کور، تنش های بی پایان و فتنه انگیزی های گسترده را بیان می دارم. بر شمردن علل این همه در نزد نخبگان و رهبران سیاسی و اجتماعی یک امر بسیارعادی و تکراری گردیده است؛ و شگفت است که هرگز بر شمردن تکراری این علت ها هرگز موجب ملال شان نمی گمرد؛ بالعکس در گفتار ها و عمل های تکراری نوعی از خود راضی بودن احساس می شود.

و شگفت تر از همه اینکه ریشه این علت ها را همیشه بسوی دیگری اشاره می نمایند. وقوع تمام حوادث دردناک و ناکامی های پیوسته و شکست های متواتر را همه در عوامل بیرونی جستجو می نمایند. در این مورد هیچ استثنایی وجود ندارد. تمامی سیاستمداران و رهبران سیاسی و اجتماعی کشور متاسفانه به بیماری فرافکنی مبتلا می باشند. خود پیش تن و تعنتی می پندارند که از همه گزند ها در امان و منتون می باشند

چرا افغانستان دچارعقب ماندگی گردیده است؟ بخاطر دخالت های استعمارچرا مردم افغانستان دچار تنش و جنگ های برادر کشی گردیده است؟ علت آن در مداخله و دست اندازی های بیرونی نهفته است! چرا افغانها قادر نیستند که وفای هم بستگی ملی دست یابند؟ چون دست های مداخله گر بیرونی نمی گذارند! و... هرچه عیب و نقص وجود دارد و هر مشکلی

که در این کشور پدید آید، سرزنش آن را باید در بیرون از مرز ها جستجو نمود! این بیماری فرافکنی حد اقل از دومنبع روانی سرچشمه می گیرد: منبع نخست اینکه خود را از ناکامی ها و ناتوانی ها و ضعف ها تبرئه سازیم. منبع دوم ابزار و وسیله ای برای سرزوری و حکمرانی بر مردم مصیبت زده افغانستان در اختیار داشته باشیم! در بسیاری از مراسم های ملی و مناسبت های تاریخی و یا در میزگردها و اعلام موضع ها علت خرابی، عقب ماندگی ونا امنی کشور را وجود تفرقه دانسته می شود که البته بدور از واقعیت نیست. تفرقه ای که به شکل های مختلف و به پهنه های گوناگون از جمله زبان، منطقه، حزب، قوم و... تبارز نموده و افراد جامعه را بنام جنگ سالار، کمونیست، مجاهد و... از یکدیگر دور ساخته و در نهایت آنان را رویا روی هم قرار داده است. تاکید همگان نخواهد شد. تا این جای کار مشکل چنان باشد. مشکل از آنجا شروع می شود که در بر شمردن ریشه آفت تفرقه ایشان فقط دست کشور های بیگانه و عوامل بیرونی عمده و کلان می شود.

اظهاراتی از این دست در نگاه اولیبه بسیار خوب و دل نشین به نظر می رسند. سخنانی که درد و مشکل اصلی این خاک و مردم است. به راستی که افغانستان در طول تاریخ خویش از بی انقاصی، تفرقه و جنگ های خانقاسوز داخلی بنام های مختلف و جبهه بندی های راست و دروغ اجتماعی آسیب دیده است. همین طور در پشت هر حادثه و فتنه ای بدون شک دست های بیرونی را می توان دید. تحریکاتی که افغان ها را نسبت به یکدیگر بدبین و دشمن ساخته است.

اما اگر اندکی تأمل بکار برده شود و از نگاه یک اندیشمندی استراتژیک آفریقای

## ریشه تفرقه و ناتوانی در کجاست؟

عبدالله هروی



باشسیم و توپ بازی را همیشه در میدان دیگران نبینیم.

برای تحقق اصلاحات در نظام و حکومت صادقانه، منسجم، جدی و برخوردار گردیده و از اتخاذ موضع گیری های تاکتیکی و سخنان تبلیغاتی که فقط گرم کننده بازار سیاست باشد پرهیز نماییم.

به معنی دیگر بخشی از ریشه های تفرقه و ناتوانی های موجود در عناصر، سیاست ها و عملکرد های خودمان نهفته است. حکومت و مقامات زمانی داعیه دار واقعی وفاق ملی تلقی می شوند که برای این هدف صادقانه و متعهدانه گام بردارند.

اینک انتظار برده می شود که بادنظرداشت شرایط بحرانی کشور همه نهادهای سیاسی و اجتماعی و نهادهای مربوط به ساختار نظام سیاسی، یعنی قوه مقننه، مجریه و قضاییه برمحمور یک استراتژی اساسی و ملی صادقانه گردیم آمده و اراه ها را برای ساختن کشور و تکمیل ثبات و دفع توطئه های دشمنان هماهنگ و منسجم سازیم.

فعلاتنه شریک نشده باشد؟  
قدتر به کاستی و نقدهای داخلی توجه شده است؟ در کجا مصلحت های ملی بر مصلحت های جناحی و شخصی و قومی ارجحیت داده شده است؟

تا چه اندازه به ادعا های صورت گرفته از آغاز تحول جدید تاکنون صادقانه توجه شده و عمل گردیده است؟ آیا دیدگاهها و موضع گیریهای ارائه شده واقعا مبتنی بر یک تفکر و حرکت استراتژیک بوده یا تصمیمات مقطعی و گذرا برای بدست آوردن موقعیت برتر می باشد؟ آیا اجماعی که در کنفرانس بن صورت گرفته بود و توافقنامه های که به امضا رسیده است بصورت دقیق عملی گردیده اند؟ چه کسانی بر تفرقه زبانی و قومی و...دامن می زنند؟ و...  
به نظر می رسد که سخنان و اظهارات معطوف به عوامل بیرونی بحران و چالش ها شاید دل نشین باشد و مورد استقبال قرار گیرد، اما نباید فراموش کرد که این روش ره بجایی نمی برد.

لازم است اندک اشاره و توجهی به ناتوانی های حکومت و مسایل داخلی هم داشته

بیانگر واقعیت های جاری باشد. در حقیقت در چنان اظهاراتی از میان علت های چند لایه چالش های موجود افغانستان فقط به یک علت اشاره شده است و بر سایر علت ها چشم بسته شده است.

مشکل از آنجا شروع می شود که در بر شمردن ریشه آفت تفرقه ایشان فقط دست کشور های بیگانه و عوامل بیرونی

عمده و کلان می شود.

اظهاراتی از این دست در نگاه اولیبه بسیار خوب و دل نشین به نظر می رسند. سخنانی که درد و مشکل اصلی این خاک و مردم است. به راستی که افغانستان در طول تاریخ خویش از بی انقاصی، تفرقه و جنگ های خانقاسوز داخلی بنام های مختلف و جبهه بندی های راست و دروغ اجتماعی آسیب دیده است. همین طور در پشت هر حادثه و فتنه ای بدون شک دست های بیرونی را می توان دید. تحریکاتی که افغان ها را نسبت به یکدیگر بدبین و دشمن ساخته است.

اما اگر اندکی تأمل بکار برده شود و از نگاه یک اندیشمندی استراتژیک آفریقای

## آفریقا، بستری مناسب برای نیروهای افراطی

فیلپ لیماری / آریا نوری، قسمت اول

دوایتده است. این نیروهای افراطی دولت‌ها را متهم به این می‌کنند که بازپویه دست کشورهای غربی هستند و افزایش روزافزون دخالت نظامی کشورهای غربی در آفریقا را نشانه‌ای از این مسئله قلمداد می‌کنند. این نیروها از منطقه‌ی ساحل که یکی از عوامل اصلی اختلاف بین کشورهای مسلمان و مسیحی آفریقای است استفاده می‌کنند. نیروهای جهادگرا از این منطقه به‌عنوان حوزوی فعالیت استراتژیک و عملیات نظامی بهره می‌برند. مسئله‌ی اصلی اما این است که هنوز به شعار راه‌حلی از آفریقا برای مشکلات آفریقا «جامه‌ی عمل پوشانده نشده است. باوجودآنکه نمی‌توان نتیجه‌ی آفریقا را در این میان مستول همه‌چیز دانست، اما بازم باید به این مسئله اشاره کرد که اشتباهات این اتحادیه به‌هیچ‌عنوان کم نبوده است. برای مثل می‌توان به ناتوانی این اتحادیه در جلوگیری از حمله‌ی نظامی کشورهای غربی به لیبی در سال ۲۰۱۱ اشاره کرد. حمله‌ای که امروز عواقب اسفناک آن به‌خوبی قابل‌مشاهده است. دخالت نظامی آمریکا، فرانسه و انگلیس در لیبی که بدون توجه به عواقب پس‌از آن صورت پذیرفت نه‌تنها سبب شکل‌گیری بی‌ثباتی و جنگجو در منطقه‌ی ساحل افزایش پیدا کند؛ درنهایت نیز امروزه لیبی در باتلاق جنگی داخلی دست‌وپا می‌زند. اتحادیه‌ی اروپا سعی در جلوگیری از این دخالت نظامی داشت اما نتوانست در این مسیر موفقیتی به دست آورد. دخالت نظامی ناتو در لیبی با تأیید سازمان ملل متحد و شرکت کشورهای عضو ناتو انجام گرفت. امروزه بی‌اعتمادی و بدبینی کشورهای آفریقایی – به‌خصوص الجزایر که نفوذ زیادی دارد – نسبت به کشورهای غربی کاملا مشخص است. زمانی که نیروهای جهادگرا در سال ۲۰۱۲ تلاش کردند تا شمال‌مالی را به اشغال خود کوشیند، عدم توانایی کشورهای آفریقایی در تشکیل نیروی نظامی متحد و سازمان‌دهی شده به‌منظور برقراری صلح یکبار دیگر آشکار شد. محقق‌ی کامرونی در این مورد می‌گوید: «چند جلسه لازم بود تا در نهایت نیروهای متحد کشورهای آفریقایی برای دخالت در مالی شکل بگیرد؟ نیرویی که در نهایت به میان دخالت نظامی فرانسه در سال ۲۰۱۲ وارد مالی شد و تنها نقش نگهبان را ایفا کرد!» ادامه دارد

محافظت از کاروان‌های تجاری محلی و دریافت عوارض در تجارت محلی شرکت کرده و در قاچاق سیگار، اسلحه، مواد مخدر و حتی گروگان نیز فعال‌اند. جوانان محلی نیز که با فقر و بی‌کاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند و تعدادشان کم هم نیست، با مشاهده‌ی شکل‌گیری این نیروی سیاسی جدید و نیز پولی که جنگجویانشان دریافت می‌کنند، به آن‌ها می‌پیوندند. گادو (که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ به‌عنوان وزیر امور خارجه‌ی ابدولی وید (Abdoulaye Wade)، رئیس‌جمهور وقت سنگال فعالیت می‌کرد، در این مورد می‌گوید: «این گروه‌ها مسببان اصلی نه‌تنها خشونت کور که اقتصاد ملی نیز هستند.» این گروه‌ها اغلب نیروی نظامی قوی‌تر و منابع مالی بیشتری نسبت به نیروهای دفاعی و نظامی سنتی در اختیاردارند. از طرفی دیگر آن‌ها به‌صورت شبکه‌ای عمل کرده و اقدامات متقابل بین شبکه‌ای را قبول دارند و این مسئله ایست که کشورهای آفریقایی قادر به انجام آن نیستند. «ما سال‌ها از آن‌ها عقیم» این مسئله را یکی از اعضای سابق اتحادیه‌ی آفریقا می‌گوید، وی معتقد است کشورهای آفریقایی باید تحولی اساسی در استراتژی‌های خود به وجود آورند. به همین ترتیب روزبه‌روز بر تعداد تحلیلگران آفریقایی که معتقدند پارادایم امنیتی این قاره نیازمند تحولی اساسی است، افزوده می‌شود. ایشان اعتقاد دارند که در این تحول باید بیش از گذشته به بعد انسان‌شناسانه‌ی جریانی که آفریقا را به سمت این افراط‌گرایی سیاسی-مذهبی کشانده، توجه نشان داده شود. یک روشنفکر اهل بنین نظر خود را این‌گونه عنوان می‌کند: «اگر قرار باشد ما یک گروه مسلح مثل بوکوحرام را- که تا این حد سازمان دیده‌است و توانسته روستاهای بسیاری را به‌طور کامل به تصرف خود درآورده - تنها گروهی تروریستی بنامیم، به‌طورکلی مسیر را اشتباه طی کرده‌ایم.» آلیون سال (Alioune Sall)، مدیر استستوتی آینده‌ی آفریقا (African Futures Institute) معتقد است که در وهله‌ی اول باید به امنیت، سلامت، شغل و درنهایت محل زندگی مردم اهمیت داد. در این زمینه دولت‌ها نمی‌توانند یگانه‌کنشگران صحنه باشند. جامعه‌ی مدنی نیز لازم

جنگ از ۸ جنگ مهلک و مخرب کنونی دنیا در تارهای آفریقا جریان دارد، جایی که در حال حاضر شرایط لیبیا سبب شده تا پیش‌ازپیش سلاح به‌سورت غیررسمی و برای اولین بار در قاره‌ی آفریقا با الگوگیری از نمونه‌های مشابه در سایر نقاط دنیا برقرار می‌شود، ۴۰۰ نظامی، مامدادر سیاسی، محقق و روزنامه‌نگار حضور داشتند. میشل فوشه (Michel Faucher)، جغرافی‌دان و دیپلمات فرانسوی در این مورد می‌گوید: «باید یک اندیشه‌ی استراتژیک آفریقایی در بستری مناسب شکل بپذیرد.»

به گفته‌ی یکی از افسران ارثشی که از طرف یک مکتب نظامی آفریقای مرکزی آمده بود، نشست فوق سبب شد تا همگان به فقدان آگاهی ژئوپلیتیک در قاره‌ی آفریقا پی ببرند، به گفته‌ی این افسر امنیت در قاره‌ی آفریقا باید به مسئله‌ای عمومی بدل گردد. ضعف و آسیب‌پذیری کشورها در حوزوی حفظ امنیت، صلح و ثبات، به‌خصوص در حوزوی ساحل (Sahel) کاملا مشخص است. گروه‌های جهادگرا با رانده شدن از الجزایر در منطقه‌ی ساحل مستقرشده و تبدیل به نیرویی مسلح و سازمان دیده شدند؛ مثل داعش در عراق و سوریه و یا شباب در سومالی.

یکی از دیپلمات‌های آفریقایی با ابراز نگرانی خود از افزایش روزافزون عملیات نظامی گروه‌های جهادگرا می‌گوید: «برای آن‌ها هیچ مرزی وجود ندارد، آن‌ها دامنه‌ی فعالیت خود را از دریای سرخ تا دریای آتلانتیک گسترانیده‌اند.» به گفته‌ی ژان ایو لودریان (Jean-Yves Le Drian)، وزیر دفاع فرانسه، در حال حاضر بوکوحرام (Boko Haram) دامنه‌ی عملیات خود را در جمهوری آفریقای مرکزی، کامرون و نایجریا گسترانیده، این مسئله سبب شده تا بین این گروه‌ها و گروه‌هایی که تا کنون خود را عضوی از القاعده می‌خواندند، در ناحیه‌ی ساحل و صحرا (-la zone sahelo-harienne) پیوند برقرار شود.

اکثر گروه‌های مسلح که در بین خودشان هم نفاق وجود دارد در نواحی مرزی و روستایی که دولت تسلط کمی بر آن‌ها دارد فعالیت می‌کنند و از آشوب محلی سو استفاده می‌کنند؛ مثل جدایی‌طلبان توآرق (touareg) در شمال مالی و جنگ داخلی که در حال حاضر در لیبیا جریان دارد. این گروه‌ها به‌واسطه‌ی پیوندهای خانوادگی و قبیله‌ای جای پای خود را محکم کرده و شبکه‌های کمک‌رسانی و جاسوسی تشکیل می‌دهند. آن‌ها با

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حقیقت الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده
- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه‌افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هئیت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئول مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر

دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com